

علل شکل‌گیری و گسترش ناآرامی‌های شهری فرانسه (اکتبر و نوامبر ۲۰۰۵)

تاریخ دریافت: ۸۶/۷/۱
تاریخ پذیرش: ۸۶/۱۰/۱۵

دکتر سیدحسین حسینی^۱، دکتر محمدحسین الیاسی^۲ و حیدر هاشمی^۳

چکیده

این تحقیق با هدف شناسایی و بررسی علل شکل‌گیری و تداوم ناآرامی‌های شهری فرانسه (اکتبر و نوامبر ۲۰۰۵) و بررسی نحوه مدیریت و شیوه‌های کنترل و مهار بحران مذکور، به اجرا درآمد. فوت دو نوجوان در ۲۷ اکتبر ۲۰۰۵ در شهرک «کلیشی-سو-بوا» از توابع پاریس و ابراز نارضایتی نوجوانان از عملکرد پلیس فرانسه در این حادثه، باعث شکل‌گیری هسته اولیه ناآرامی شده و سپس اظهارات تند وزیر کشور وقت فرانسه علیه جوانان و خطاب نمودن معترضان به عنوان اوباش و پوشش رسانه‌ای واقعه و عدم اقدام به موقع مدیریت بحران در مهار آن باعث شتاب دادن انتشار ناآرامی‌ها به بقیه نواحی شده است. در نهایت علل زمینه‌ای و تقویت‌کننده از قبیل بیکاری، کاهش یارانه‌ها، بحران هویت، تبعیض، خرده فرهنگ خشونت، سیاست‌های مهاجرت و ناکامی‌های آموزشی نوجوانان مهاجر و نارضایتی از عملکرد پلیس در مناطق جمعیتی مهاجرنشین و...، باعث تداوم آن شد. روش تحقیق، کتابخانه‌ای و اسنادی است و اطلاعات مورد نیاز در زمینه تحقیق از اسناد، مدارک و آمار رسمی مراکز علمی معتبر در داخل و خارج از کشور تهیه، جمع‌آوری و تدوین شده است. جامعه مورد مطالعه در تحقیق حاضر جوانان و نوجوانان شرکت‌کننده در ناآرامی‌های اکتبر و نوامبر ۲۰۰۵ کشور فرانسه است. تجزیه و تحلیل داده‌ها و اثبات فرضیه‌های تحقیق که از سوی صاحب نظران و کارشناسان داخلی و خارجی در مورد علل وقوع ناآرامی‌های شهری فرانسه در اکتبر ۲۰۰۵ به عمل آمده است. این علل در قالب سه رهیافت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی - فرهنگی دسته‌بندی گردیده و سپس نسبت به تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی ارتباط بین متغیرهای مستقل و ناآرامی‌های فرانسه مبادرت شد؛ که ادامه تمامی فرضیه‌های تحقیق به اثبات رسید. در تحقیق حاضر از روش‌های سنجش اعتبار صوری، اعتبار تجربی و سازه‌ای بهره‌گیری شد.

کلیدواژه‌ها: فرانسه / France / ناآرامی شهری / Civil unrest / مهاجرت / Migration / هویت / Identity / پلیس / police / تبعیض / Discrimination / مدیریت بحران / Management Crisis / رفتار جمعی / Collective behavior / امنیت / Security.

□ **استناد:** حسینی، سید حسین، الیاسی، محمد حسین و هاشمی، حیدر (بهار ۱۳۸۷). «علل شکل‌گیری و گسترش ناآرامی‌های شهری فرانسه». فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، شماره اول: ۵-۲۶

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی (نویسنده مسئول)

۲. استادیار دانشگاه امام حسین(ع)

۳. کارشناس ارشد مدیریت و فرماندهی انتظامی

مقدمه

با فرونشستن تب انقلاب در سال ۱۷۹۹ میلادی عصر جمهوری‌های پر تلاطم در فرانسه آغاز شد و از آن زمان این کشور شاهد برپایی پنج جمهوری بوده است. متأثر از انقلاب فرانسه، مردم این کشور تظاهرات را تجلی گر حقوق طبیعی خود و نخبگان این کشور آن را جهت دادن به نیروی حاصل از تظاهرات می‌دانند. به همین روی است که بعد از پایان جنگ دوم جهانی با حمایت وسیع حزب کمونیست در قانون اساسی فرانسه حق تظاهرات ملحوظ گردید و اعتبار قانونی و مشروعیت ملی یافت (روده، ۱۳۸۰).

به لحاظ مقبولیت عمومی ساختارهای قدرت و سمبل‌های اقتدار از یک سو و نهادینه شدن ماهیت مدنی حیات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در فرانسه، تظاهرات در اشکال مختلف آن طبیعی‌ترین و در عین حال قدرت‌گریزترین روش برای احقاق حقوق طبیعی شهروندان در نظر گرفته شده است. تظاهرات به لحاظ خصلت رابطه‌نهادهای اجتماعی با سمبل‌های قدرت که ماهیتی به شدت دموکراتیک دارد، تحت هیچ شرایطی از سوی تظاهرکنندگان و از دیدگاه کسانی که در اریکه قدرت به چالش گرفته می‌شوند فرآیندی تخریبی در نظر گرفته نمی‌شود.

مشروعیت تظاهرات در فرانسه از این روی است که هدف آن تصحیح ترتیبات اجتماعی است به نحوی که پیکربندی قدرت در سطح جامعه به گونه‌ای جهت‌یابد که شهروندان حقوق خود را در بستر آن تامین شده ببینند و صاحبان قدرت تداوم حضور در مراکز تصمیم‌گیری ملی را تسهیل شده قلمداد کنند. تظاهرات فقط از این روی برگزار نمی‌شود که بنیادهای اجتماعی را دگرگون کند بلکه مبنای فرآیند اصولاً بر اساس فرصت‌دادن و برجسته ساختن معضلات در سطح جامعه و پیدا کردن مطلوب‌ترین راه حل‌ها با توجه به تفکرات حاکم بر جامعه در آن مقطع زمانی خاص و ویژگی‌های حیات مادی است. در این چارچوب فکری است که به تظاهرات به عنوان سمبل ارتقای جامعه به مرحله مدنی نگریسته می‌شود. بنابراین، در فرانسه تظاهرات روشی مدنی است برای اینکه شهروندان به اعمال برخاسته از غریزه برای رفع نیازهای خود متوسل نشوند و رهبران به گزینه‌های عقلانی ستیز برای حفظ قدرت روی آورند. این نگرش دوسویه بازتاب و میراث انقلاب ۱۷۸۹ میلادی است. و متأثر از آن مردم متوجه شدند که از توان و قابلیت فزاینده‌ای برای تعیین سرنوشت خود برخوردار هستند و سیاستمداران هم به لحاظ وقوع انقلاب و پیامدهای اولیه آن به این نکته وقوف یافتند که کم‌هزینه‌ترین و منطقی‌ترین طریقه برای گریز از بحران حاد و در عین حال حفظ اریکه قدرت همانا اتصال وضعیت حیات سیاسی خود به وضعیت حیات اجتماعی شهروندان است (روده، ۱۳۸۰).

با در نظر گرفتن این میراث انقلابی است که تظاهرات به عنوان سمبل دموکراسی

مستقیم، در صورتی که شهروندان احساس بی‌قدرتی در رابطه با شرایط اجتماعی کنند و قدرتمندان گرفتار بی‌توجهی به مسئولیت‌های خود گردند، به عنوان یک حق در متن قانون اساسی فرانسه گنجانیده شد و نتیجه اینکه هیجان انقلابی سرانجام به قدرت مدنی تبدیل گردید و عقلانیت متکی بر درک متقابل نیازهای دوسوی معادله قدرت جایگزین ستیزه تاریخی مردم و رهبران شد. به عنوان مثال، تظاهراتی که در سال‌های اخیر در شهرهای مختلف فرانسه بر علیه قانون کار اتفاق افتاد، تجلی فضیلت مدنی حاکم بر جامعه فرانسه بود. سیاستمداران سعی در توجیه سیاست‌های خود دارند و شهروندان در تلاش هستند تا تصمیم‌گیرندگان را متوجه گردانند که نقطه نظرات آنان چیست. هر دو طرف با توسل به شیوه‌های قانونی درصدد هستند که پیکربندی قدرت را در راستای درکی که از شرایط جهانی و داخلی دارند به تصویر بکشند. شعور اجتماعی رهبران و شهروندان آنان را در تقابلی قانونی برای تعیین این مهم قرار داده است که بهترین راه تخصیص منابع در جامعه چیست؟

به جهت گستردگی خصلت مدنی در جامعه فرانسه که بازتاب فرآیند بافتی شدن باورهای عصر روشنگری است، شهروندان و رهبران به این درک رسیده‌اند که انسان ظرفیت نگاه عقلانی به موضوعات را داراست و نیازی به کشتار و خشونت برای دستیابی به خواست‌ها ندارد هر اندازه هم که مشروع باشد. از طرف دیگر، کشور فرانسه به دلیل سابقه استعماری و ماهیت خاص جغرافیایی، خود را کشوری مهاجرپذیر می‌داند و در بین کشورهای اروپایی بالاترین میزان مهاجران را در خود جای داده است. براساس آمار رسمی ارائه شده در سال ۱۹۹۹ میلادی، ۱۴ میلیون فرانسوی از ناحیه پدر، مادر یا یکی از پدر بزرگ یا مادربزرگشان خارجی‌تبار محسوب می‌شوند و این میزان ۲۳٪ جمعیت فرانسه را تشکیل می‌دهد (کاوینی، ۱۳۸۶). با پایان جنگ جهانی دوم، به منظور استفاده از نیروی کار ارزان قیمت در بازسازی ویرانه‌های کشورهای مستعمرات خود در شمال آفریقا روی آوردند. با این حال، پس از طی نخستین دوره چهار ساله اقامت کارگران در فرانسه به دلیل ادامه نیاز به حضور این افراد، دولت فرانسه با تمدید اقامت آنان موافقت کرد. فرانسه شمار بیشتری از کارگران مهاجر را در خاک خود پذیرا شد و به تدریج حضور کارگران ارزان قیمت خارجی به حضوری طولانی در خاک فرانسه مبدل شد و دولت این کشور نیز ناگزیر به در نظر گرفتن شرایط خانوادگی آنان و اجازه اقامت بستگان درجه اول کارگران در خاک فرانسه شد. از سوی دیگر قوانین جمهوری پنجم فرانسه که شرط تعیین ملیت ساکنان این کشور براساس محل تولد و اقامت طولانی را به رسمیت شناخته است، منجر به صدور تدریجی ملیت فرانسوی برای فرزندان مهاجرانی شد که در خاک فرانسه به دنیا آمده بودند و هیچ سرزمین دیگری را به جز این کشور به عنوان مامن، ماوی، محل سکونت و اقامت و زندگی خود نمی‌شناختند. بنابراین،

نسل دوم مهاجران از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی شاهد فرزندانی مهاجرانی هستند که ملیت فرانسوی دارند. با این همه، شرایط زندگی آنان که در حومه‌های شهر با سطح زندگی و فرهنگ دیگر نقاط شهری فرانسه تفاوت‌هایی آشکار و اساسی دارد. زیرا بیشتر این مهاجران، نیروهای کار ساده و عموماً فارغ از مهارت‌های تخصصی و حرفه‌ای و یا فاقد سطح بالای دانش و اطلاعات عمومی بودند. از دهه‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۰ میلادی نسل‌های دوم و سوم مهاجران خارجی، که بیشتر تباری شمال آفریقایی دارند، به ندرت خواستگاه و سرزمین پدری خود را می‌شناسند، نسل دوم و سوم مهاجران فرانسه بر خلاف نسل اول خود، در فرانسه متولد شده‌اند و رسماً تابعیت کشور فرانسه را دارند (خدای، ۲۰۰۷).

تفاوت‌های آشکاری که میان مناطق سکونت این مهاجران و مهاجرزادگان از نظر سطح زندگی، درآمد، فرهنگ و امکانات رفاهی وجود دارد، ریشه‌های پنهان تضادهایی بالقوه است. به عنوان مثال، مساله ناامنی، بزهکاری و جرایم در این مناطق به گونه‌ای است که برخی آمار رسمی حاکی از آن است که ۶۰ تا ۷۰٪ تخلفات و جرایم از سوی مهاجران جدید صورت می‌گیرد. همین آمار حاکی است که شمار زندانیانی که از مهاجران می‌باشند در اول ژانویه ۲۰۰۴ میلادی ۱۲ هزار و ۲۴۱ نفر (از ۵۵ هزار و ۳۵۵ نفر کل زندانیان) بوده است. از طرف دیگر، نسل سوم مهاجران فرانسه، با تاثیرپذیری از فرهنگ مشروعیت تظاهرات در فرانسه، در قبال آنچه که در پیرامون آنان می‌گذرد بی‌تفاوت نبوده و مطالعه روند تحولات چند سال اخیر به خوبی گویای این واقعیت است که احساس شهروند فرانسوی بودن باعث می‌گردد که آنان خود را مستحق برخورداری از امتیازات یک شهروند فرانسوی بدانند و در قبال هر آن چیزی که این حق آنان را تحت شعاع قرار دهد واکنش نشان دهند (بویر و اگزویه، ۱۳۸۲).

توصیف واقعه: روز سه شنبه ۲۵ اکتبر ۲۰۰۵ میلادی وزیر کشور وقت فرانسه ضمن بازدید از یک شهرک واقع در شهر «آرژانتویل» (حومه شمال غربی پاریس) در پاسخ به زنی که از پنجره ساختمان خود وزیر را در مورد ناامنی محله مورد بازخواست قرار داده بود، گفت: «ما شما را از دست این اراذل و اوباش خلاص خواهیم کرد و شهرک‌ها را با دستگاه کارشر(فشار قوی آب) پاک خواهیم کرد.» وزیر کشور همچنین ادامه داد: «... فرانسه را از دست اوباش خلاص خواهیم کرد.»

دو روز بعد از ماجرای فوق یعنی ساعت ۱۷۲۰ روز پنجشنبه ۲۷ اکتبر ۲۰۰۵، سه نوجوان مهاجر فرانسه از اهالی شهرک «کلیشی-سو-بوآ» (واقع در ۱۰ مایلی حومه شمال شرقی پاریس) از ترس کنترل هویت شان توسط واحد گشت پلیس که مشغول انجام ماموریت

1. Clichy-sous-Bois

در آن محله بود، به سمت محوطه نیروگاه فشار قوی برق فرار کرده و در آنجا مخفی می‌شوند که در اثر تماس با کابل‌های برق دو نفر از آنان بنام «زید بنا»^۱ و «بونا تراوره»^۲ در داخل نیروگاه دچار برق گرفتگی شده و فوت کردند و نوجوان سوم که شدیداً سوخته بود به بیمارستان منتقل شد. در پی انتشار اخبار این رخداد، ساعات پایانی روز ۲۷ اکتبر ۲۰۰۵، عده‌ای از مردم شهرک مهاجرنشین «کلیشی - سو - بوا» در یک راهپیمایی مسالمت‌آمیز خواستار رسیدگی به مرگ این دو نوجوان شدند؛ ولی مقامات دولتی در پاسخ اظهار داشتند که این دو نوجوان خودشان به محل توربین‌های برق حرکت کرده و کشته شده‌اند و پلیس نقشی در مرگ آنان نداشته است.

متعاقب موضع‌گیری مقامات فرانسه خصوصاً رفتار نیکولا سارکوزی، وزیر کشور وقت فرانسه، که با اظهارات خود در پشتیبانی از نیروهای پلیس و نکوهش رفتار نوجوانان این محله و به کاربردن برخی کلمات تند، موجبات خشم جوانان و نوجوانان این محله و تحریک اهالی مناطق حومه‌ای فرانسه را فراهم آورد، به تدریج خبر این وقایع به سایر محلات منتشر گردید و باعث عکس‌العمل جوانان و نوجوانان ساکن این مناطق شده و بیش از سه هفته حومه‌های شرقی و شمالی پاریس و دیگر شهرهای بزرگ فرانسه را در بر گرفته و باعث شدیدترین درگیری بین ساکنان این مناطق با پلیس شد. بر اثر این ناآرامی‌ها، بیش از ۹۰۰۰ دستگاه انواع خودرو به آتش کشیده شد و آشوب‌گران به بیش از ۳۰۰ دستگاه ساختمان‌های متعلق به مؤسسات عمومی و خصوصی شهرک‌ها نظیر مدرسه، مهدکودک، سالن ورزشی، پاسگاه پلیس، ایستگاه آتش‌نشانی، اماکن مذهبی و...، یورش برده و به آنها آسیب رساندند و به دنبال آن تعداد نیروهای پلیس مستقر در این مناطق از هزار و پانصد نفر به بیش از ده هزار نفر افزایش پیدا کرد و حدود ۳۱۰۱ نفر از جوانان معترض بازداشت شدند که ۴۲۲ نفر از آنان با صدور حکم محاکم قضایی روانه زندان گردیدند و شدت حوادث تا آن جا پیش رفت که دولت فرانسه مجبور به اعلام سه ماه «وضعیت فوق‌العاده» گردید.

آنچه که جهانیان را متحیر ساخت به نحوه اعتراضات گسترده در فرانسه بود که در صدر اخبار رسانه‌های دنیا قرار گرفت. این حوادث در خود اروپا، در مطبوعات، در سازمان‌های دفاع از حقوق بشر، در سازمان‌های اجتماعی و سیاسی و در آرا و نظرات سیاستمداران و شخصیت‌های فرهنگی و علمی واکنش گسترده‌ای داشته و نگرانی‌هایی را ایجاد نمود و لطمات زیادی به حیثیت فرهنگی و سیاسی فرانسه وارد کرده و خسارات مادی زیادی نیز به بار آورد.

1. Zyed Benna
2. Bouna Traore

نباید فراموش کرد که کشور فرانسه به «مادر انقلاب‌ها» معروف است و نحوه اعتراض مردم فرانسه به طرز قابل توجهی با دیگر کشورهای اروپایی متفاوت است. انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ و آشوب‌های دهه ۱۸۵۰ در قالب حرکت‌هایی که امکانات عمومی و شهری را تخریب می‌کرد و «انقلاب دانشجویی» سال ۱۹۶۸ که در دانشجویان با تظاهرات‌های گسترده، اعتصاب و تعطیلی دانشگاه‌ها خواستار اصلاح نظام آموزشی در کلیه دانشگاه‌های کشور شده بودند، به نوعی فرهنگ خاصی را برای اعتراض مردم این کشور رقم زد. ولی آنچه که بر برجستگی و اهمیت بررسی این حوادث در قیاس با حوادث مشابه افزود، خصوصیت قابل ذکر آشوب‌های فوق و بی‌نظیر بودنشان از حیث شعارها و پرچم‌هایشان در مقایسه با سایر اعتصابات از جمله تظاهرات اتحادیه‌های سنتی کارگری و سازمان‌های دانشجویی در این کشور است. چرا که ناآرامی‌های فوق، تظاهرات فعالان قانونی نبود بلکه نمایش اعتراض عمومی توده‌هایی بود که تا پیش از این غیرمتشکل بوده و به اشیاء و افراد حمله کرده و به خشونت و انتقام دست زده بودند.

با ملاحظه وقایع ذکر شده، مسأله حائز اهمیت در این زمینه توجه به این نکته است که کشور فرانسه که یکی از قدیمی‌ترین دموکراسی‌های جهان را دارد و انقلاب آن در سال ۱۷۸۹ با شعار «آزادی، برابری و برادری»^۱ علیه ظلم و ستم ظلم‌های مستبد و سلطنتی آغاز شد و به پیروزی رسید به نحوی که جهان غرب معتقد است انقلاب فرانسه تأثیر به‌سزایی بر افکار آزادی‌خواهانه و ساختار نظام نوین سیاسی و اجتماعی در غرب داشته است و در جامعه‌ای مانند جامعه فرانسه که ادعا می‌شود فضا نسبت به نژادها، فرهنگ‌ها و مذاهب گوناگون باز است، چگونه ممکن است جوانان دست به چنین طغیان شدید و همه‌گیری بزنند؟ به بیان دیگر، مسأله مهم تحقیق حاضر این است که: «چه عللی باعث شکل‌گیری و گسترش ناآرامی‌های شهری اکتبر و نوامبر ۲۰۰۵ در فرانسه شده است و فرایند مدیریت این ناآرامی‌ها به چه نحوی بوده است؟»

با مروری بر مجموع رهیافت‌های موجود و نظرات و تحلیل‌های کارشناسان در مورد علل وقوع ناآرامی‌های شهری فرانسه در اکتبر و نوامبر ۲۰۰۵، می‌توان نتیجه گرفت که اولاً تابحال تحقیق جامعی در این خصوص در داخل کشور صورت نگرفته است و غالب مطالعات و تحلیل‌های ارائه شده در داخل کشور، خاص و مقطعی بوده و در مقالات و تحلیل‌های خبری ارائه شده از سوی فعالان سیاسی و فکری، بیشتر با بزرگنمایی برخی از مولفه‌ها و بدون در نظر گرفتن سایر واقعیات موجود در نظام سیاسی فرانسه به آنها نگریسته شده است

1. Liberté - Egalité - Fraternité

و این قبیل آثار با وجود اینکه در روشن کردن ابعاد و شناخت ماهیت ناآرامی‌های شهری فرانسه راهگشا هستند اما در اغلب موارد تبیین نظام مند و جامعی از علل شکل‌گیری و گسترش دامنه ناآرامی‌ها محسوب نمی‌شوند و از طرفی در این آثار هیچ تبیین کاملی از نحوه مدیریت ناآرامی‌ها و بهره‌گیری از تجارب پلیس فرانسه در مورد کنترل و مهار ناآرامی مشهود نیست و این تحقیق از این حیث اولین پژوهش پیرامون موضوع مورد مطالعه در داخل کشور است.

هدف کلی پژوهش حاضر «شناسایی و بررسی علل شکل‌گیری و توسعه ناآرامی‌های شهری فرانسه در اکتبر و نوامبر ۲۰۰۵» است تا با ملحوظ قراردادن مجموعه علل سیاسی، شرایط اجتماعی و اقتصادی این کشور به فرایند خاص شکل‌گیری و توسعه ناآرامی‌های فوق و نحوه مدیریت و شیوه‌های کنترل و مهار بحران مذکور پردازد و نهایتاً دارای این اهداف فرعی است: ۱- بررسی علل شکل‌گیری و توسعه ناآرامی‌ها؛ ۲- ارزیابی اقدامات مقابله‌ای و نتایج آن و علل موفقیت یا عدم موفقیت سیاست‌ها و اقدامات در مهار ناآرامی‌ها؛ ۳- بررسی نقاط اشتراک و افتراق این ناآرامی‌ها با تجمعات کارگری و دانشجویی در فرانسه؛ ۴- بررسی نقش رسانه‌ها در توسعه بحران؛ ۵- بررسی نقش رسانه‌ها در تحدید بحران؛ ۶- بررسی نوع و سطح آسیب‌ها و خسارت‌های ناشی از ناآرامی‌ها؛ ۷- بررسی نقش پلیس در کنترل و مهار ناآرامی؛ و ۸- بررسی ساختار مدیریت بحران فرانسه.

فرضیه اصلی این پژوهش عبارتست از: «بین مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و شکل‌گیری و گسترش ناآرامی‌های فرانسه (در اکتبر و نوامبر ۲۰۰۵) رابطه وجود دارد.»

فرضیه‌های فرعی پژوهش عبارتند از:

۱. بین بیکاری جوانان و نوجوانان فرانسه و گسترش ناآرامی‌ها رابطه وجود دارد.
۲. بین ناآرامی نوجوانان مهاجران فرانسه و کاهش یارانه‌های دولت در مناطق جمعیتی آنان رابطه وجود دارد.
۳. بین خرده فرهنگ موجود در مناطق جمعیتی نوجوانان مهاجر فرانسه و ناآرامی‌های این کشور رابطه وجود دارد.
۴. بین بحران هویت جوانان مهاجر فرانسه و گسترش ناآرامی‌ها رابطه وجود دارد.
۵. بین ناکامی نوجوانان مهاجر فرانسه در تحصیل و شرکت آنان در ناآرامی رابطه وجود دارد.
۶. بین تبعیض و نابرابری اجتماعی در مناطق جمعیتی عرب - آفریقایی تبار فرانسه و توسعه ناآرامی‌ها رابطه وجود دارد.

۷. بین ترکیب سنی شرکت کنندگان در ناآرامی‌های فرانسه و تداوم (طولانی شدن مدت) آن رابطه وجود دارد.
۸. بین سیاست پذیرش و اداره مهاجران عرب - آفریقایی تبار فرانسه و تداوم ناآرامی‌ها رابطه وجود دارد.
۹. بین استفاده تاکتیکی جوانان مهاجر فرانسه از ناآرامی و شکل‌گیری و گسترش آن رابطه وجود دارد.
۱۰. به نظر می‌رسد بین واکنش مدیریت بحران فرانسه و گسترش ناآرامی رابطه وجود دارد.
۱۱. بین عملکرد پلیس فرانسه در مناطق جمعیتی مهاجر فرانسه و شکل‌گیری ناآرامی رابطه وجود دارد.
۱۲. بین پوشش رسانه‌ای صحنه‌های خرابه‌کاری و درگیری و انتشار ناآرامی رابطه وجود دارد.

چارچوب نظری تحقیق: با توجه به روش اجرای تحقیق حاضر و دسته بندی مقوله‌های موضوع مورد مطالعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نیاز به یک چارچوب تئوریک خاصی بوده است که فرضیات تحقیق بر مبنای آن طراحی شوند. لذا برای نیل به این مقصود، در تحقیق حاضر محقق با بررسی کاربردی‌ترین نظریات رفتار جمعی و همچنین با اشاره به پاره‌ای از نظریات اندیشمندان در باب هویت اجتماعی، خلاصه‌ای از این نظرات را در قالب جدول ۱ احصاء نموده و سپس از رهگذر نظرات و مصداق‌یابی آن در جامعه مورد مطالعه، جدول ۱ جمع بندی آرای نظری و فرضیات را تنظیم و بالاخره به ارائه مدل نظری تحقیق، که ترکیبی از نظریات مرتبط با خشونت، رفتار جمعی و هویت می‌باشد، مبادرت نموده است. و علاوه بر آن تلاش شده است تا بر مبنای رویکردهای مطالعه مدیریت بحران در مقوله مدیریت ناآرامی نیز به ارائه مدل مدیریت ناآرامی پرداخته شود.

جدول ۱. آرای نظری و فرضیات تحقیق

مصادیق	فرضیه	نظریه	نظریه پرداز
بین تراکم جمعیت در فضای زیستی - اجتماعی مهاجران عرب - آفریقایی تبار فرانسه و ناآرامی و بی‌قانونی و تزلزل در این مناطق رابطه وجود دارد.	بین تراکم جمعیت مهاجر در مناطق حاشیه‌ای و تمایل به بی‌سازمانی اجتماعی در قالب بی‌قانونی و تزلزل در حکومت رابطه وجود دارد.	با تراکم جمعیت مهاجران در مناطق حاشیه‌ای، تمایل به بی‌سازمانی اجتماعی در قالب بی‌قانونی و تزلزل در حکومت افزایش می‌یابد.	امیل دورکیم
بین افزایش جمعیت جوان مهاجر فرانسه و ناآرامی و بی‌قانونی و تزلزل در این مناطق رابطه وجود دارد.	بین افزایش جمعیت جوان و کاهش توانایی افراد مسن در اعمال قواعد و قوانین سنتی ارتباط وجود دارد.	تغییر ساخت جمعیت افزایش جمعیت جوان، عامل مهمی در کاهش توانایی افراد مسن در اعمال قواعد و قوانین سنتی می‌باشد.	امیل دورکیم

جدول ۱. آرای نظری و فرضیات تحقیق (بقیه)

جورج کاسبار هومنز	اگر یک کنش برای یک شخص بارز تر باشد، احتمال تکرار آن بیشتر است.	بین نتیجه یک کنش و تکرار آن رابطه وجود دارد.	بین موفقیت نوجوانان در ایجاد خسارت به امکان عمومی و گسترش ناآرامی‌های فرانسه رابطه وجود دارد.
مایکل فیشر و پیتر بلاو	نابرابری‌های اقتصادی یا پیاپی قومیتی، باعث بروز خشونت‌های انشاری می‌گردد.	بین نابرابری اقتصادی بر اساس پایگاه قومیتی و بروز خشونت‌های انشاری رابطه وجود دارد.	بین نابرابری اقتصادی علیه مهاجران عرب-آفریقایی تبار فرانسه و ناآرامی رابطه وجود دارد.
مایکل فیشر و پیتر بلاو	بعضی از خرده فرهنگ‌ها تمایل بیشتری به خشونت و گرایش‌های ضداجتماعی دارند.	بین خرده فرهنگ‌ها و تمایل به خشونت و گرایش‌های ضداجتماعی رابطه وجود دارد.	بین خرده فرهنگ مناطق جمعیتی مهاجران و گرایش آنان به شرکت در ناآرامی و تخریب رابطه وجود دارد.
مسنر	تبعیض و نابرابری بیشتر یک منبع اعتراض است	بین تبعیض و نابرابری و اعتراض رابطه وجود دارد	بین تبعیض و نابرابری در مناطق جمعیتی مهاجران فرانسه و ناآرامی رابطه وجود دارد.
مولر	مسئول بی‌ثباتی در دموکراسی‌های سیاسی نابرابری است.	بین بی‌ثباتی در دموکراسی‌های سیاسی و نابرابری رابطه وجود دارد.	بین بی‌ثباتی و ناآرامی در مناطق جمعیتی مهاجران فرانسه و نابرابری در آن کشور رابطه وجود دارد.
پوسول و دیکسون	سرکوبگری رژیم سیاسی در بروز شورش مؤثر است.	بین سرکوبگری رژیم سیاسی و بروز شورش رابطه وجود دارد.	بین خشونت پلیس فرانسه در مناطق جمعیتی مهاجران فرانسه و ناآرامی رابطه وجود دارد.
هانتینگتون	عدم نوسازی سیاسی، به بی‌ثباتی و انواع طرق کودتا، شورش، ظفیان، جنگ استقلال طلبانه و انقلاب منجر می‌گردد.	بین نوسازی سیاسی و شورش رابطه وجود دارد.	بین عدم نوسازی سیاسی فرانسه و ناآرامی‌های این کشور رابطه وجود دارد.
هانتینگتون	اگر فرصت تحرک شغلی فرزندان نسل دوم و سوم مهاجران فراهم نگردد تند روی در میان جاشیه نشینان فراهم می‌گردد.	بین فرصت تحرک شغلی فرزندان نسل دوم و سوم مهاجران و تندروی آنان رابطه وجود دارد.	بین بیکاری و عدم تحرک شغلی فرزندان نسل دوم و سوم مهاجران عرب-آفریقایی تبار فرانسه و ناآرامی رابطه وجود دارد.
چارلز تیلی	ایجاد تهدید علیه یک مدعی باعث تقویت بسیج برای کنش می‌شود.	بین ایجاد تهدید علیه یک مدعی و تقویت بسیج برای کنش رابطه وجود دارد.	بین فوت دو نوجوان عرب-آفریقایی تبار فرانسوی و تقویت بسیج برای ناآرامی این کشور رابطه وجود دارد.
چارلز تیلی	هرچه میزان بسیج در یک جمعیت یا سازمان مطبوع یک مدعی بیشتر باشد، میزان کنش جمعی آن بیشتر می‌شود.	بین میزان بسیج یک جمعیت و میزان کنش جمعی آن رابطه وجود دارد.	بین میزان بسیج نوجوانان عرب-آفریقایی تبار فرانسوی و گسترش ناآرامی این کشور رابطه وجود دارد.
چارلز تیلی	سرکوب، هزینه هرگونه کنشی توسط گروه دیگر را افزایش می‌دهد.	بین سرکوب و هزینه کنش جمعی رابطه وجود دارد.	بین اجرای اجرای حالت فوق العاده و کاهش ناآرامی این کشور رابطه وجود دارد.
نیل جرف اسملسر	عوامل شتاب دهنده موجب می‌شود کسانی که در جنبش شرکت می‌کنند مستقیماً وارد عمل شوند.	بین عوامل شتاب دهنده و شرکت در جنبش رابطه وجود دارد.	بین اظهارات تحریک آمیز وزیر کشور وقت فرانسه و شتاب گرفتن ناآرامی‌های این کشور رابطه وجود دارد.
نیل جرف اسملسر	برای جنبش اجتماعی وجود «نوعی» وسایل ارتباطی منظم بین شرکت کنندگان ضروری است.	بین انتشار جنبش اجتماعی و رسانه‌ها ارتباط وجود دارد.	بین انتشار ناآرامی‌های فرانسه و پوشش رسانه‌ای آن ارتباط وجود دارد.
نیل جرف اسملسر	پیدایش و توسعه جنبش اجتماعی به شدت از عملکرد کنترل اجتماعی به تأثیر می‌پذیرد.	بین پیدایش و توسعه جنبش اجتماعی و عملکرد دستگاه کنترل اجتماعی رابطه وجود دارد.	بین پیدایش و توسعه ناآرامی‌های فرانسه و عملکرد دستگاه کنترل بحران این کشور رابطه وجود دارد.
نیل جرف اسملسر	زمینه ساختاری مشوق یا مانع تشکیل انواع مختلف جنبش‌های اجتماعی است.	بین زمینه ساختاری و تشکیل انواع مختلف جنبش‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.	بین زمینه‌های ساختاری سیاسی - اجتماعی در فرانسه و شکل‌گیری ناآرامی این کشور رابطه وجود دارد.
تد رابرت گر	استفاده از استراتژی خشونت در ایجاد تغییر اجتماعی تأثیر دارد.	بین استفاده از استراتژی خشونت و ایجاد تغییر اجتماعی رابطه وجود دارد.	بین استفاده از ناآرامی و ایجاد تغییر اجتماعی در مناطق مهاجرت‌نشین فرانسه رابطه وجود دارد.
تد رابرت گر	برخورد پلیس با اقلیت‌ها و گروه‌های شورشی موجب افزایش خشونت می‌شود.	بین برخورد پلیس با گروه‌های شورشی و افزایش خشونت رابطه وجود دارد.	بین برخورد پلیس با نوجوانان آشوبگر و افزایش سطح و شدت خشونت از ناحیه آنان رابطه وجود دارد.
گابریل موزر	احساس اجحاف و احساس ناکامی دو انگیزه مهم در خرابه‌کاری و رفتار ویرانگرانه هستند.	بین احساس اجحاف و ناکامی و خرابه‌کاری و رفتار ویرانگرانه رابطه وجود دارد.	- بین ناکامی نوجوانان مهاجر فرانسه در تحصیل شرکت آنان در ناآرامی رابطه وجود دارد. - بین ناکامی جوانان مهاجر فرانسه در اشتغال و شرکت آنان در ناآرامی رابطه وجود دارد.

جدول ۱. آرای نظری و فرضیات تحقیق (بقیه)

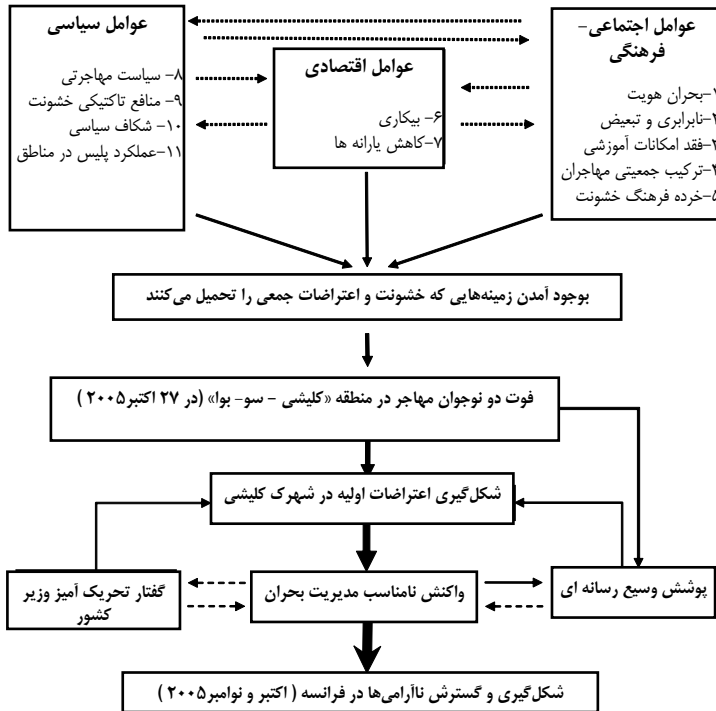
جیمز دیویس	احتمال وقوع انقلاب؛ زمانی است که بعد از یک دوره رشد اقتصادی قابل ملاحظه یک دوره رکود سریع اقتصادی پدیدار شود.	بین رکود اقتصادی و شورش ارتباط وجود دارد.	بین ناآرامی نوجوانان مهاجران فرانسه و کاهش یارانه‌های دولت در مناطق جمعیتی آنان رابطه وجود دارد.
رابرت مرتن	اقدام فرد به جایگزینی ارزش‌های متفاوت جدیدی به شورش منتهی می‌گردد.	بین اقدام به جایگزینی ارزش‌های جدید و شورش رابطه وجود دارد.	- بین شرکت جوانان مهاجر در ناآرامی فرانسه و ایجاد فضای مناسب برای برخورداری از امکانات جدید برای شهرهای خود رابطه وجود دارد. - بین شرکت جوانان مهاجر در ناآرامی فرانسه و ایجاد شرایط لازم برای تعدیل رفتار ماموران پلیس علیه آنان رابطه وجود دارد.
بارکر	رفتار افراد در قراقره رفتاری علاوه بر ویژگی‌های فردی تابعی از ابعاد فیزیکی محیطی و رفتار جمعی است.	بین رفتار افراد و ابعاد فیزیکی محیطی رابطه وجود دارد.	تاثیرپذیری رفتار جوانان مهاجر فرانسه از ابعاد فیزیکی محیطی و گرایش آنان به شرکت ناآرامی و تخریب رابطه وجود دارد.
امارتیا کومار سن	احساس درماندگی در مقابل فرهنگ فراگیر جامعه به‌عمل قهرآمیز و خشونت آمیز می‌انجامد.	بین احساس در ماندگی در مقابل فرهنگ غالب در یک جامعه و اقدام قهرآمیز رابطه وجود دارد.	بین بحران هویت نوجوانان مهاجر عرب- آفریقایی تبار فرانسه و اقدام به شرکت آنان در ناآرامی قهر آمیز رابطه وجود دارد.
ریچارد جنکینز	هویت شرط ضروری برای حیات اجتماعی است، برعکس آن نیز صادق است.	بین بحران هویت و ستیز اجتماعی رابطه وجود دارد.	بین بحران هویت نوجوانان مهاجر عرب- آفریقایی تبار فرانسه و شکل‌گیری ناآرامی‌ها رابطه وجود دارد.
هنری تاجفل	تمايزها، ستيزها و تنش‌های گروهی، حتی در شرایط نبود تضاد منافع، از جنبه هویت اجتماعی ناشی می‌شود.	بین تنش‌ها و ستیزهایی گروهی و بحران هویت اجتماعی رابطه وجود دارد.	بین بحران هویت نوجوانان مهاجر عرب- آفریقایی تبار فرانسه و شکل‌گیری ناآرامی‌ها رابطه وجود دارد.

مدل نظری شکل‌گیری ناآرامی در تحقیق حاضر، یک مدل التقاطی و تلفیقی است که در پرتو نظریه‌های جامعه‌شناسی رفتارهای جمعی، خشونت، شورش و هویت از قبیل «تند. رابرت. گر»، «هانتینگتون»، نظریه خرده فرهنگ‌ها، «ادوین ساترلند»، «چارلز تیلی»، «امارتیا کومار. سن»، «بارکر»، «رابرت مرتن»، «رابرت ای. پارک»، «هربرت بلومر»، «راجر براون»، «نیل جرف اسملسر»، «امیل دورکیم» و «جیمز دیویس» و...، که در سه رهیافت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی متمرکز شده اند به تصویر کشیده شده است. (نمودار ۱)

■ **رویکردهای مطالعه بحران:** نویسندگان مختلف، ترکیب‌های متفاوت (و بنابراین، تعریف‌های گوناگونی) از بحران ارائه کرده‌اند، که به رغم تنوع‌ها و تفاوت‌ها، در مجموع، ذیل یکی از دو رویکرد سیستمی یا تصمیم‌گیری جای می‌گیرند. در این بخش ضمن ارائه شناختی از این دو رویکرد، به ارائه مدل نظری مدیریت ناآرامی‌های فرانسه مبادرت شده است:

■ **رویکرد سیستمی:** در رویکرد سیستمی، کانون توجه بیشتر بر چگونگی وقوع بحران متمرکز است. از این نظر، بحران وضعیتی است که در آن، یک سیستم یا بخش‌هایی از آن، مختل (یا تهدید به اختلال) شده و تغییرات ناگهانی یا مخرب در یک یا چند متغیر سیستمی اساسی (برای مثال، تغییر ناگهانی در قدرت بازدارندگی یک ابرقدرت در برابر ابرقدرت دیگر) باعث بی‌ثباتی کل سیستم می‌گردد (هرمن، ۱۹۷۲).

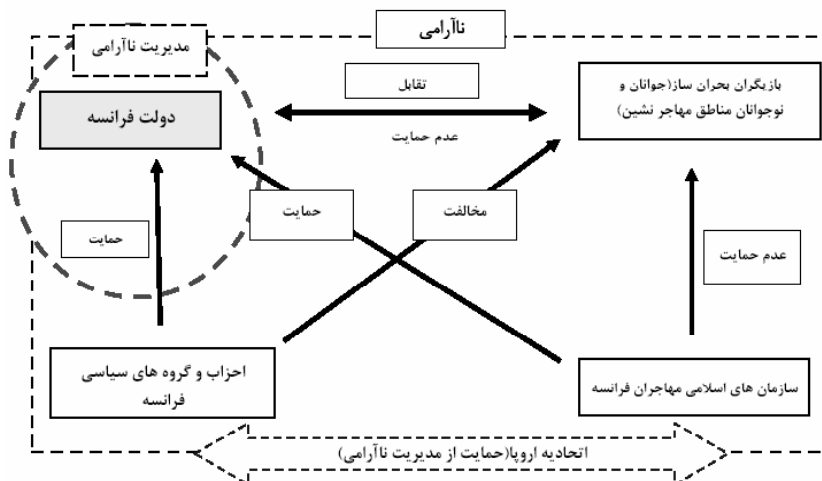
نمودار شماره ۱.



■ **رویکرد تصمیم‌گیری:** رویکرد تصمیم‌گیری برگرفته از برداشت انسان است و حال آن که رویکرد سیستمی برگرفته از عینیت است. به بیان دیگر، در این رویکرد، «این نگاه ذهنی تصمیم‌گیرنده نسبت به عالم است که مبنای تجزیه و تحلیل است و نه واقعیات عینی، و بنابراین، بحران تنها وقتی وجود دارد که تصمیم‌گیرنده این چنین درک کند.» (رابرتز، ۱۹۹۶).

■ **مدل تحلیلی بحران فرانسه:** مدل بحران در زمره پایه‌ای‌ترین اطلاعات برای تصمیم‌گیری مدیر بحران است و روابط درونی و بیرونی بحران و تعاملات عناصر اصلی مؤثر در بحران را به نمایش می‌گذارند و تعاملات عناصر اصلی مؤثر در بحران (عموماً دولت، جامعه و بحران سازان) را تبیین می‌کند. با مروری بر رویکردها و راهبردهای موجود در تبیین ناآرامی‌ها و مقایسه آن با ناآرامی‌های فرانسه، مدل ترکیبی (نمودار ۲) برای مدیریت ناآرامی‌های مذکور ارائه گردیده است.

نمودار شماره ۲. مدل تحلیلی ناآرامی فرانسه



مواد و روش‌ها

روش پژوهش حاضر، کتابخانه‌ای و اسنادی است و تحقیق حاضر نوعی مطالعه تاریخی است. جامعه مورد مطالعه، نوجوانان و جوانان مناطق حومه‌های شهری فرانسه بوده است که در ناآرامی‌های اکتبر و نوامبر ۲۰۰۵ این کشور شرکت داشتند و اغلب آنان آفریقایی تبار بودند. نقاط تمرکز این تحقیق از نظر «موضوعی»، شکل‌گیری و گسترش ناآرامی‌های شهری فرانسه و فرایند مدیریت آن، از نظر «مکانی»؛ جامعه فرانسه و از نظر «زمانی» ۲۷ اکتبر تا ۲۰ نوامبر ۲۰۰۵ میلادی، می‌باشد. در تحقیق حاضر از شیوه‌های «اعتبار محتوایی»^۱، «اعتبار تجربی»^۲ و «اعتبار سازه‌ای»^۳ استفاده شده است، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق حاضر از روش «تحلیل مقایسه تاریخی» استفاده شده است.

یافته‌ها

در یک جمع‌بندی کلی، یافته‌های پژوهش عبارتند از:

- بین بیکاری جوانان و نوجوانان مهاجر فرانسه و گسترش ناآرامی‌ها رابطه مثبتی وجود

1. Content Validity
2. Empirical Validity
3. Construct Validity

دارد.

- بین کاهش یارانه‌های اختصاصی دولت در مناطق جمعیتی مهاجران عرب - آفریقایی فرانسه و ناآرامی‌های ۲۰۰۵ رابطه مثبتی وجود دارد.
- بین خرده‌فرهنگ موجود در مناطق جمعیتی نوجوانان و جوانان مهاجر عرب - آفریقایی تبار فرانسه و ناآرامی‌های ۲۰۰۵ در این کشور رابطه مثبتی وجود دارد.
- بین بحران هویت جوانان مهاجر عرب - آفریقایی فرانسه و گسترش ناآرامی‌ها رابطه مثبتی وجود دارد.
- بین ناکامی نوجوانان مهاجر فرانسه در تحصیل و شرکت آنان در ناآرامی‌های ۲۰۰۵ رابطه مثبتی وجود دارد.
- بین تبعیض و نابرابری اجتماعی در مناطق جمعیتی عرب- آفریقایی تبار فرانسه و تداوم ناآرامی‌ها در این مناطق رابطه مثبتی وجود دارد.
- بین ترکیب سنی شرکت کنندگان در ناآرامی‌های فرانسه و تداوم (طولانی شدن مدت) آن رابطه مثبتی وجود دارد.
- بین سیاست پذیرش و اداره مهاجران عرب- آفریقایی تبار فرانسه و تداوم ناآرامی‌های ۲۰۰۵ رابطه مثبتی وجود دارد.
- بین استفاده تاکتیکی جوانان مهاجر فرانسه از ناآرامی و گسترش آن رابطه مثبتی وجود دارد.
- بین واکنش مدیریت بحران فرانسه و گسترش ناآرامی‌های ۲۰۰۵ در این کشور رابطه مثبتی وجود دارد.
- بین عملکرد پلیس فرانسه در مناطق جمعیتی مهاجران عرب- آفریقایی تبار و شکل‌گیری ناآرامی در این مناطق رابطه مثبتی وجود دارد.
- بین پوشش رسانه‌ای صحنه‌های خرابه‌کاری و درگیری در ناآرامی‌های ۲۰۰۵ و انتشار آن رابطه مثبتی وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی و نتیجه‌گیری از پدیده ناآرامی‌های شهری در جوامع صنعتی به ویژه با جوامعی با پیشینه استعماری به سادگی امکان پذیر نیست و می‌تواند علل مختلفی را در یک تحلیل همه جانبه اقتضا کند. همچنین مقایسه آن با سایر کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه یا مسلمان نیز امکان پذیر نیست؛ زیرا این دو از یک مقوله نیستند و ریشه‌های این مساله فقط با فهم و درک پیچیدگی‌های جوامعی چون فرانسه و شناخت دقیق از آنها امکان‌پذیر

است. برای کسانی که می‌خواهند ریشه‌یابی این مسایل را در یک یا دو عامل خلاصه کنند و زود هنگام به نتیجه مورد نظر خود برسند راه کوتاه است؛ ولی برای کارشناسانی که با تعمق و تدبر به چنین وقایعی می‌نگرند و با تحلیل نظری در پی کشف همه‌جانبه ریشه‌های آن هستند تحقق آن کار آسانی نیست. بنابراین، آنچه که در این تحقیق ذکر شده است ریشه‌یابی موضوع مورد مطالعه با در نظر گرفتن بخش‌هایی از علل و زمینه‌ها است که در قالب عوامل خاصی از مجموع علل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی - فرهنگی احصاء شده است. به طور کلی با جمع بندی، علل شکل‌گیری و تداوم ناآرامی‌های فرانسه در اکتبر و نوامبر ۲۰۰۵، با توجه به نقشی که هر عامل در شکل دادن، تقویت، شتاب دادن و یا تداوم بحران داشته و یا به عنوان ریشه‌ها و زمینه‌ها در آن دخیل بوده است و با دقت در فرایند مدیریت بحران مذکور، مهمترین یافته‌های تحقیق عبارتند از:

علل اصلی: ۱. تعقیب دو نوجوان عرب - آفریقایی تبار توسط پلیس فرانسه در شهرک «کلیشی - سو - بوا» که در نهایت به برق گرفتگی و مرگ آنها منجر شد و اعتراض به اقدام پلیس در تعقیب آن دو نفر، هسته اولیه اعتراضات را دامن زد. ۲. اظهارات تحریک آمیز وزیر وقت کشور فرانسه که معترضان را «اراذل و اوباش» خواند؛ که این امر نیز به عنوان یک عامل تحریک کننده باعث سوق دادن جوانان معترض به ماشین سوزی و تخریب شد.

علت تسهیل کننده و شتاب دهنده: علت دیگری که به صورت تسهیل کننده در انتشار ناآرامی مؤثر بود؛ عملکرد رسانه‌ها و مدیاتیزه شدن موضوع بود. چون به محض اینکه معترضان شهرک «کلیشی - سو - بوا» با فوت دو جوان - در اثر برق گرفتگی - دچار هیجان شدند؛ پوشش رسانه‌ای ماجرا در روزهای اول و اطلاع رسانی معترضان توسط همدیگر از طریق پیام‌های کوتاه تلفنی (S.M.S. و M.M.S) و وبلاگ‌ها و چت‌روم‌ها (اتاق‌های گپ اینترنتی) به عنوان علت شتاب دهنده در گسترش جغرافیایی ناآرامی‌ها بود.

علل تقویت کننده: برابر یافته‌های تحقیق پاره‌ای از علل باعث تداوم زمانی ناآرامی‌های و انتشار مکانی آن در فرانسه گردید که در این تحقیق این علل به عنوان علل تقویت کننده نام‌گذاری گردیدند و به ترتیب اولویت عبارتند از:

- عدم قاطعیت حکومت در برخورد با جوانان شرور در روزهای آغازین ناآرامی عامل تقویت کننده دیگری است که باعث شد معترضان در انجام هر تخریب به جای اینکه تنبیه شوند عملاً به تداوم این بی‌نظمی‌ها و خرابه‌کاری، تشویق شوند.
- علت تقویت کننده دیگر در گسترش ناآرامی‌های فرانسه، وجود خرده فرهنگ خشونت در بین برخی مناطق جمعیتی نوجوانان و جوانان مناطق حاشیه‌ای فرانسه است. زیرا اغلب معترضان کسانی بودند که به دلایلی از قبیل ترک تحصیل و بیکاری از سوی

جامعه رسمی طرد شده و برخی از آنان نیز در گروه‌های کوچک بزهکاری عضو بوده و با یکدیگر آشنایی داشتند و به راحتی برای اقدامات خشونت آمیز منسجم شدند.

- نارضایتی از عملکرد پلیس در مناطق مهاجرنشین و اتخاذ سیاست «تسامح صفر» از ناحیه پلیس فرانسه علیه نوجوانان و جوانان مهاجر چه در جریان ناآرامی و چه قبل از آن علت دیگری است که انگیزه آنان برای شرکت در اعتراض را تقویت کرد.
- ترکیب سنی شرکت‌کنندگان در ناآرامی‌های فرانسه و وجود نیروهای معترض و چابک در محلات و آن هم با تاکتیک مبارزه آسان و با آثار جهانی، یکی از علل تقویت‌کننده در توسعه ناآرامی‌ها بود. شرکت جوانان و نوجوانانی (مذکر) عرب - آفریقایی تبار دارای سنین ۱۲ تا ۲۵ سال (تقریباً نیمی از بازداشت‌شدگان زیر ۱۸ سال بودند) در این ناآرامی‌ها باعث تقویت انتشار ناآرامی‌ها گردید. تاکتیک مبارزه آنان نیز استفاده از تاریکی شب و به آتش کشیدن ماشین در اطراف منزل خود بود.

علل زمینه‌ای: نتایج تحقیق حاکیست که برخی از علل و شرایط این اعتراضات از سال‌ها قبل ریشه دار بوده و در فرانسه وجود داشته است و برابر یافته‌های پژوهش شرکت‌کنندگان به جهت احساس فشار ناشی از این شرایط، از شرکت در ناآرامی به عنوان تاکتیکی در جهت تغییر شرایط استفاده کردند که این علل که علل زمینه‌ای نامیده شده‌اند، در تداوم ناآرامی‌ها مؤثر بوده و به ترتیب اولویت نتایج تحقیق عبارتند از:

- ❖ محرومیت اقتصادی و بیکاری مضاعف در میان جمعیت عرب-آفریقایی تبار فرانسه؛
- ❖ تبعیض و نابرابری علیه مهاجران عرب - آفریقایی تبار فرانسه؛
- ❖ بحران هویت نوجوانان مهاجر عرب - آفریقایی تبار؛
- ❖ برنامه‌های کاهش یارانه‌های اختصاصی در مناطق مهاجرنشین فرانسه؛
- ❖ سیاست‌های آموزشی در مناطق مهاجرنشین فرانسه و ناکامی تحصیلی متأثر از آن در بین نوجوانان مهاجر.

پیشنهادها: برای پیشگیری و یا کاهش و مدیریت این نوع ناآرامی‌ها اقدامات ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱. رسیدگی و گسترش عدالت اجتماعی در شهرک‌های حومه‌ای و ایجاد تعادل در نقاط مختلف از نظر فرهنگی، بهداشتی، اقتصادی و...، باید در فرانسه در اولویت باشد و هر چند در سال‌های اخیر اقدامات مؤثری در حومه‌ها و مناطق حساس شهری به عمل آمده، ولی هنوز اختلاف سطح زندگی و تبعیض اجتماعی در نقاط مختلف بسیار زیاد است.
۲. وزارت کشور، مراجع قضایی و پلیس فرانسه در کنترل شهرک‌های حساس و حومه‌ها باید از تکیه صرف بر به‌کارگیری تدابیر پیشگیری کیفی، انتظامی و وضعی که

- موجب تشدید کنترل شهروندان می‌گردد، اجتناب نموده و در کنار آن از مکانیسم‌های پیشگیری اجتماعی نیز بهره‌گیرند.
۳. بخشی مهمی از مشکل ادغام خارجیان در جامعه فرانسه به قدرت تکلم جامعه مهاجر این کشور باز می‌گردد. مهاجران خارجی و نسل اول ورودی اغلب نمی‌توانند به خوبی به زبان فرانسه تکلم کنند؛ بنابراین از پیوستن به جامعه عادی فرانسه باز می‌مانند که در این میان فرزندان مهاجران فرانسه به‌طور طبیعی می‌توانند پل‌های ارتباطی خوبی میان این جامعه و والدین خود باشند. اگر تحصیلات را هم به‌عنوان یک عامل موفقیت بر این وضعیت بیافزاییم، آنگاه شرایط بیشتر تسهیل خواهد شد. ولی انقطاع تحصیلی و آموزشی نیز برعکس می‌تواند موانع جدی برای این ادغام و یگانگی اجتماعی در جامعه فرانسه بشمار رود که گاه همچون ناآرامی‌های ۲۰۰۵ بحران‌زا نیز هست. بنابراین، اولویت‌های آموزشی فرزندان مهاجران و مشارکت دادن هدفمند آنان به عنوان نیروهای فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و شهری باعث رفع بسیاری از موانع و مشکلات خواهد شد.
۴. بنابر بررسی‌های انجام شده، مراکز و سازمان‌های ارائه‌دهنده کار در فرانسه به مجرد دیدن نام یک خارجی، موضعی مغایر با وضعیت برابر یک شهروند فرانسوی می‌گیرند و از آنجا که در سال‌های اخیر مسلمانان بیشتر از سایر پیروان دیگر ادیان مورد حساسیت واقع شده‌اند، طبیعی است که بیشتر این افراد از کسانی باشند که یا ریشه و تبار عربی داشته و یا مسلمان باشند. تبعیض شغلی در سال ۲۰۰۵ در فرانسه چنان جدی شده بود که «بورلو» وزیر وقت امور اجتماعی فرانسه وعده داده بود که بزودی کمیسیونی مامور بررسی این طرح خواهد شد که افراد بتوانند شرح احوال خود را بی‌نام به مراکز شغلی‌یابی ارسال کنند. بنابراین رفع تبعیض شغلی یکی از راهکارهای پیشگیری از حوادث مشابه است.
۵. با نگاهی به جامعه فرانسه درمی‌یابیم که حقوق بشر در این کشور نه به صورت آشکار بلکه در لفافه‌ای از تعابیر زیبا و مطلوب مدام نقض می‌شوند. نمونه بارز آن را می‌توان در عدم آزادی بیان و عقیده در جریان محاکمه «رژه گارودی» و تصویب قانون منع حجاب ملاحظه کرد. فرانسه قوانین متعدد و دیرپایی درباره مبارزه با نژادپرستی و تبعیض نژادی دارد اما واقعیت‌ها و عمل مقامات این کشور خلاف این قوانین را ثابت کرده‌اند. با مراجعه‌ای به گزارش ۲۰۰۷ سازمان عفو بین‌المللی، ملاحظه می‌گردد که نام فرانسه در لیست کشورهای قرار دارد که قتل‌های غیرقانونی در آنجا به وقوع پیوسته و بازداشت‌شدگان مورد شکنجه و بدرفتاری واقع می‌شوند، البته مسأله، تبعیض

نژادی و مذهبی در بسیاری از کشورها به چشم می‌خورد، اما وجود این امر در فرانسه که خود را مهد دموکراسی و آزادی می‌داند، قابل قبول نیست. بنابراین، تغییر نگاه و رفتار به مهاجران و محسوب نمودن آنان به عنوان شهروند فرانسوی، از واقعیاتی است که باید در جامعه فرانسه فراموش نشود.

۶. در حومه فقیرنشین شهرهای مهم فرانسه خصوصاً پاریس عمدتاً خانواده‌های مهاجران عرب - آفریقایی تبار سکونت دارند که در شرایطی سخت زندگی می‌کنند. اغلب صاحب نظران عقیده دارند مهاجران در جامعه فرانسه به خوبی جذب نشده‌اند، آنها با خرده فرهنگ‌های بومی خود به فرانسه آمده‌اند لذا در انزوا باقی مانده‌اند. برنامه‌ها و اقداماتی که برای انتگراسیون (درهم‌آمیزی) مهاجران انجام می‌شوند، خیلی متنوع و زیادند و این باعث سردرگمی و ابهام مسئولان می‌شود؛ زیرا ساختارهای فرانسه خیلی پیچیده و ناروشن‌اند. لذا تدوین برنامه‌های عمیاتی، منسجم و هماهنگ به صورت کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت از اهم ضروریات است.

۷. مسئولان اجرای برنامه‌های انتگراسیون در مناطق جمعیتی مهاجران فرانسه با مشکلاتی دست به گریبان هستند که یکی از این مشکلات بوروکراسی دست و پاگیر ادارات است که پیاده کردن دوره‌های انتگراسیون را به تأخیر می‌اندازد. بنابراین، این موضوع در کنار تنوع اعمال سلايق در سامان دهی این برنامه‌ها از مشکلات جدی است که باید مرتفع شود.

۸. پلیس فرانسه برای سامان دادن به مشکلات امنیتی شهرک‌های مسأله دار باید نسبت به تشکیل یک گروه ارتباطی متشکل از بازیگران کلیدی تحت رهبری نمایندگان مربوط به سازمان‌های مهاجران و مسلمانان اقدام نماید که این گروه به طور منظم در مناطق و شوراهای استان‌ها با هم بنشینند و از این رهگذر با ارائه پیشنهادات لازم در جهت برنامه‌ریزی‌های استراتژیک مأموریت پلیس به مشکلات امنیتی جامعه مهاجران انسجام ببخشند.

۹. برنامه‌ریزی نظام‌مند در فرانسه برای پیشگیری از اقدامات مجرمانه به‌ویژه در حومه شهرها، که بیشتر محل استقرار مهاجران است و معمولاً آنان از شانس و موقعیت برابر برای زندگی در جامعه برخوردار نیستند، به طور جدی از سال ۱۹۷۶ با تشکیل کمیته پیشگیری مشهور به «کمیته پروفیت» آغاز شد. در آن کمیته ضمن تحلیل علل خشونت، ۱۰۵ پیشنهاد توسط متخصصان رشته‌های مختلف و مرتبط با موضوع جهت پیشگیری از خشونت ارائه گردید. لیکن با تدقیق در این متون، آثار ملموسی از اجرایی شدن این پیشنهادات ارزنده دیده نشد که ضرورت دارد این برنامه‌ها جدی تلقی شوند.

۱۰. احزاب دست راستی که اکنون در فرانسه قدرت را در دست دارند، معمولاً «امنیت‌گرا» و به دنبال ارائه پاسخ‌های قاطع و سریع در حوزه پیشگیری از خشونت و طرفدار نظریه «پیشگیری وضعی» از طریق نصب دوربین‌های نظارت الکترونیک، افزایش حضور پلیس جهت بالا بردن احتمال دستگیری و افزایش احتمال محکومیت و کاهش سود ناشی از ارتکاب جرم می‌باشند. در مقابل، احزاب دست چپی فرانسه بیشتر به دنبال برنامه‌های پیشگیری اجتماعی و حذف عوامل جرم‌زا و بهبود کیفیت زندگی می‌باشند. بنابراین، سیر تحولات برنامه‌های مربوط به پیشگیری از خشونت‌های مجرمانه تابع سیاست‌های اتخاذ شده توسط هر کدام از احزاب مورد اشاره در هنگام تصدی حکومت بوده است و به دنبال آن مراکز و سازمان‌های مختلفی جهت ساماندهی و هدایت برنامه‌های پیشگیرانه تشکیل و با گذشت زمان و بر حسب چرخش قدرت در احزاب راست و چپ، تحولاتی در ساختار و برنامه‌های مورد اشاره ایجاد گردیده است که این دوگانگی در رفتار سیاسی احزاب مشکلاتی را برای سامان دادن به امور امنیتی فرانسه ایجاد کرده است. لذا تدوین یک برنامه امنیتی جامع و راهبردی از سوی شورای امنیت فرانسه و ایجاد تمهیدات لازم برای اجرای منسجم آن، ضروری است.
۱۱. بعد از جریان‌ات ۲۰۰۵ فرانسه، کارشناسان تاکید کردند که جامعه فرانسه باید اصلاحات عمیقی را بپذیرد و لحظه‌ای تامل ننماید و آن را به موقع دیگری موکول نکند. آنچه را که در این پژوهش مدنظر هست، متضمن استمرار هدفمند و مطالعه شده سیاست یارانه‌دادن به کارگران و کارمندان با مهارت کم همراه با سیاست دادن شانس بهتر ارتقای آموزشی به فرزندان مهاجر است؛ زیرا در فرانسه رتبه‌های آموزشی همچنان کلید اشتغال است.
۱۲. تشویق، یاری و جلب مشارکت جوانان و نوجوانان مناطق مسأله دار فرانسه، در ایجاد و تسکیل گروه‌ها و انجمن‌های ورزشی که هدفشان تفریحات سالم و منطقی است، می‌باشد؛ این اقدام مخصوصاً در ایجاد و توسعه انجمن‌ها و فعالیت‌های جوانان هر محله ضروری و لازم است.
۱۳. تجارب فرانسه نشان داده است که بسیاری از جوانانی که در خانواده‌های مناطق «حاشیه نشین» متولد شده‌اند، پس از تعلیم و تربیت لازم، مریبان دلسوز و شایسته‌ای از آب در آمده‌اند. لذا لازم است از وجود آنان در مشاغل و امور قضایی، پلیسی، آموزشی و فرهنگی - اجتماعی فرانسه استفاده گردد.
۱۴. حوادث فرانسه به خوبی نشان داد که در مواقع بحرانی رسانه‌ها به عنوان شمشیر دولبه عمل کرده و در برخی از مواقع بسیاری از خلاهای سازماندهی و بسیج بازیگران

بحران‌ساز را پر می‌کنند. بنابراین، کنترل رسانه‌های همراه و داخلی و پوشش خبری هدفمند حوادث جهت جلوگیری از شایعات از یک طرف و اجرای برنامه‌نظام مند در حذف آثار منفی ناشی از عملیات روانی رسانه‌های حریف و مخالف از طرف دیگر، باید در کنار سایر تدابیر، مد نظر مدیر بحران باشد و با توجه به ظهور رسانه‌های جدید مثل، پیامک‌های صوتی و تصویری، وبلاگ‌ها و...، مدیر بحران نباید از پتانسیل‌ها و فرصت‌های ناشی از استفاده و بهره‌گیری از آن غافل بماند.

۱۵. مسأله مهم دیگری که در حوادث ۲۰۰۵ مد نظر است توجه به این امر می‌باشد که مدیر بحران فرانسه (وزیر کشور وقت فرانسه) در جریان بحران از نزدیک در کنار نیروهای کنترل شورش حضور داشت و بر رفتار آنان نظارت می‌نمود و در تمامی مراحل حامی اقتدار پلیس بود و حتی از ماموران پلیسی که در اثر درگیری با آشوب‌گران مصدوم می‌شدند، عیادت می‌کرد و اگر هم در موارد نادری نیروهای پلیس در انجام وظیفه زیاده روی می‌کردند، برخورد نظارتی متناسب صورت می‌گرفت ولی حفظ اقتدار نیروهای پلیس به طور مستمر مورد تاکید قرار گرفت. بنابراین، این موضوع ثابت می‌کند که پلیس فرانسه از حمایت قانونی در برخورد به موقع و مناسب با آشوب‌گران برخوردار بوده است. پس اقدام به موقع و مناسب پلیس در کنترل حوادث مشابه می‌تواند در مهار و مدیریت آن مؤثر باشد.

۱۶. لغو «مصوبه ممنوعیت داده پردازی و کسب اطلاعات در مورد اقلیت‌های جامعه فرانسه» یکی از راهکارهای مورد اتفاق برای پیشگیری از حوادث مشابه در فرانسه است. زیرا براساس مصوبه دولت فرانسه، سازمان‌های دولتی و خصوصی حق سرشماری و داده پردازی اطلاعات در مورد اقوام و پیروان مذاهب مختلف را ندارند و دولت فرانسه این امر را اقدامی تفرقه برانگیز قلمداد کرده است.

۱۷. در حال حاضر هیچ یک از نمایندگان پارلمان فرانسه آفریقایی و یا عرب تبار نیستند، در حالی که ۱۰٪ جمعیت فرانسه را این اقوام تشکیل می‌دهند که افزایش مشارکت سیاسی مهاجران در سازمان‌ها و شوراهای محلی و ملی فرانسه و شرکت افرادی از اقلیت‌ها و قومیت‌ها در انتخابات پارلمانی فرانسه می‌تواند در رفع تبعیض در کشور فرانسه راهگشا بوده و زمینه‌ای دیگر برای مدیریت امور مهاجران را فراهم آورد.

۱۸. برخی از اندیشمندان معتقدند یکی از راهکارهای سامان دادن به برخی از مشکلات مهاجران فرانسه از قبیل بیکاری؛ اعمال سیاست‌های تبعیض مثبت (همچون تجربه آمریکا) می‌باشد که به نظر می‌رسد اعمال اصولی این سیاست در چهارچوب نظام سیاسی فرانسه می‌تواند در اداره امور مربوط به مهاجران بسیار مؤثر واقع گردد.

کتابنامه

منابع فارسی:

- اداره پلیس بین الملل ناجا (۱۳۸۰). **پلیس ملی فرانسه**. تهران: اداره اطلاع رسانی و منابع خارجی پلیس بین الملل ناجا.
- اسلمسر، نیل (۱۳۸۱). **تئوری رفتار جمعی**، ترجمه عماد افروغ و رضادژ کام، تهران: نشر دواوین
- بویر، آلن و آگزویه، روفر (۱۳۸۲). **خشونت و ناامنی شهری در فرانسه**، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی، تهران: مجد.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). **مدیریت بحران**، تهران: فرهنگ گفتمان.
- حسینی، سید حسین و جدی، سید مجید (تحت نظارت) (۱۳۸۵). **مدیریت بحران**، تهران: معاونت آموزش ناجا.
- حسینی، سیدحسین (پاییز و زمستان ۱۳۸۵). «بحران چیست و چگونه تعریف می‌شود»، **فصلنامه امنیت**، سال پنجم، شماره ۱ و ۲: ۵۱-۵۷.
- خدای، مجید (۶ آوریل ۲۰۰۷). «مهاجرت و پدیده‌ای به نام خارجی‌هراسی در فرانسه»، **نشریه الکترونیکی علمی و اجتماعی جامعه شناسی ایران**.
- دوگنتن، برنارد و آرت، مارتین و موریت، نیوه گره (۱۳۸۱). **نهادهای سیاسی، ادراک و قضایی فرانسه**، ترجمه سید محسن سیخ الاسلامی، تهران: نشر میزان.
- روده، جرج (۱۳۸۰). **انقلاب فرانسه و پیامدهای آن**، ترجمه امین موید، تهران: نشر اشاره.
- سیلان اردستانی، حسن (۱۳۸۳). «عملیاتی‌سازی عملیات روانی»، **فصلنامه عملیات روانی**، سال دوم، شماره‌های پنجم و هفتم.
- فلوزیس، ژرژ و پروتون، ژوئل (۳۰ دسامبر ۲۰۰۵). «برنامه جدید برای مدرسه»، ترجمه بهروز عارفی، **لوموند دیلماتیک**، منتشر شده در **نشریه آرش**، شماره ۹۴.
- فیالکوف، یانکل (۱۳۸۳). **جامعه شناسی شهری فرانسه**، ترجمه عبدالحسین نیک گوهر، تهران: آگاه.
- کاوایانی، محمد (۱۳۸۶). نقش رسانه‌ها در هدایت و فرونشاندن بحران، سخنرانی در دانشگاه امام صادق (ع)، **وب سایت دانشگاه امام صادق (ع)**.
- گر، تدرابرت (۱۳۷۷). **چرا انسان‌ها شورش می‌کنند**، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لارگیه، ژان (۱۳۷۸). **آیین دادرسی کیفری فرانسه**، ترجمه حسن کاشفی اسمعیل‌زاده، تهران: گنج دانش.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱). **درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی**، تهران: پژوهشکده انقلاب اسلامی.
- منافی، کامیاب (۱۳۸۱). **فرانسه (ازسری مباحث کشورها و سازمان‌های بین المللی)**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین المللی وزارت امور خارجه.
- هره راه رمی (۱۳۸۵). «سه مرحله شورش در فرانسه طی یک سال»، ترجمه تراب حق شناس، **نشریه مانتلی ریویو**، شماره ماه ژوئن ۲۰۰۶، برگرفته از سایت **نشریه آرش** شماره ۹۵-۹۶.

منابع انگلیسی:

Fischer, Claude S. (1975). Toward a Subcultural Theory of Urbanism, **American Journal of Sociology** 80:1319-1341.

Fischer, Claude S. (1995). The Subcultural Theory of Urbanism. A Twentieth-year Assessment." **American Journal of Sociology**, 10:543-577..

Flacks, R. Jocelyne Cesar (1971). **Social and Cultural Meaning of Student Revolt, Social Problems**.

Herrera, Rémy.(June 2005), Workers, **World Newspaper**.

Kastoryano, Riva)2002(. **States and Immigrants in France and Germany**, Princeton University Press.

Rousseau (2005), **France to Step Up Security After Riots**, Ingrid Associated Press.

Salanié, Bernard. (2006). **The Riots in France. An Economist's View, An Economist's View**, Published on, June 11, 2006.

Yaghmaian, Behzad.(November 2005). **Embracing the Infidel. The Stories of Muslim Migrants on the Journey West**, Delacorte.

منابع فرانسوی:

Beaud, Stéphane et Pialoux, Michel (2006). « La "racaille" et les "vrais jeunes", critique d'une vision binaire du monde des cites », dans *Banlieue, lendemains de révolte*, op. cit, p. ۱۷-۲۷ ; texte repris dans *Une révolte en toute logique*, op. cit. numéro spécial. « **Le soulèvement des banlieues** ».

Beaud, Stéphane et Pialoux, Michel (2005). **Violences urbaines, violence sociale. Genèse des nouvelles classes dangereuses**, Paris: Hachette.

Castel, Robert (1996). **Les Métamorphose de la question Sociale**, Folio Essais, Paris: Gallimard, coll.

Christian, Bachmann et Nicole, Le Guennec (1996). **Violences urbaines. Ascension et chute des classes moyennes à travers cinquante ans de politique de la ville**, Albin Michel, Paris.

Dufoix, Stéphane et Weil, Patrick (2005). *L'esclavage, la colonisation, et après...* (Slavery, Colonization, and Afterwards...), Paris: PUF.

Guénif-Souilamas, Nacira (2006). **La République mise à nu par son immigration**, Paris: La Fabrique éditions.

Guilluy, Christophe et Noyé, Christophe (2006). **Atlas des nouvelles fractures sociales en France**, Autrement, Paris: nouvelle édition avec supplément,.

Macé, Eric (2005). « **Ne pas quantifier, ne pas nommer. l'impossible lutte contre les discriminations dans les programmes de la télévision française** », dans *La République*.

Par Alain, Bertho (2006). **Bienvenue au XXIe siècle**, dans *Banlieue, lendemains de révolte* (ouvrage collectif), La Dispute-Regards, Paris.

منابع اینترنتی:

www.guardian.co.uk/world/latest/story/0,1280.

www.liberation.com/page.php?Article=335103

www.premier-ministre.gouv.

www.lefigaro.fr

ir.mondediplo.com/article803.html

www.officier-gendarmerie.net

<http://news.bbc.co.uk/2/hi/europe/4430540.stm>

www.education.gouv.fr/index.php